

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره اول (پیاپی ۳۱)، بهار ۱۳۹۹

شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

صفحات ۹۵-۱۱۲

تحلیل مدیریت ظرفیت‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه^۱

عبدالعزیز محمدی*؛ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
عبدالرضا رکن الدین افتخاری؛ استاد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
مهدی پورطاهری؛ دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۳

چکیده

صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی یکی از مهم ترین صنایع روستایی به شمار می رود و ایجاد و تقویت این صنایع یکی از سودمند ترین ارتباطات بین دو بخش صنعت و کشاورزی است. این تحقیق از نظر روش کمی، از نظر هدف کاربردی، و از نظر ماهیت از نوع توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات در این تحقیق با استناد به مدارک موجود، مقالات، کتب و آمارها، جمع آوری شدند و در مرحله بعد اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه و با کمک روش میدانی جمع آوری گردیدند. تعداد ۱۷ روستا در این تحقیق به عنوان روستاهای نمونه انتخاب شدند. کلیه بهره برداران کشاورزی در این ۱۷ روستا جامعه آماری تحقیق را تشکیل می دهند، کل تعداد بهره برداران ۴۰۲۳ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران نمونه گیری انجام شد و عدد ۳۵۰ بدست آمد، که این تعداد به نسبت تعداد بهره بردار بین روستاهای نمونه تقسیم شد. در مرحله بعدی با استفاده از نرم افزارهای Excel و Spss پرسشنامه ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. آزمون ها برای پاسخ دادن به فرضیات، آزمون تحلیل واریانس یکطرفه و آزمون تی برای دو گروه وابسته هستند. بر اساس نتایج بدست آمده از این تحقیق عامل نهادی در بین سه عوامل دیگر اقتصادی، اجتماعی و محیطی نقش تعیین کننده و اهمیت زیادی در مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی دارد. بنابراین از آنجا که مدیریت ظرفیت ها در این شهرستان ضعیف است می توان با تکیه بر عامل نهادی و ایجاد یک حکمروایی مناسب و توسعه روش های مشارکتی و توسعه سازمان های مردمی به بهبود مدیریت ظرفیت ها در شهرستان کمک کرد. و این امر با در پیش گرفتن نظریات حکمروایی: توانمند سازی، ظرفیت سازی، توسعه مشارکتی، و توسعه نهادی امکان پذیر می گردد.

واژگان کلیدی: اقتصاد روستایی، مدیریت ظرفیت ها، صنایع تبدیلی و تکمیلی، شهرستان زیرکوه.

^۱ این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد با همین عنوان استخراج شده است.

* mohammadiaziz74@gmail.com

(۱) مقدمه

کشاورزی به عنوان فعالیت غالب در نواحی روستایی، به تنهایی از توان تأمین اشتغال و درآمد کافی برای جمعیت روستایی برخوردار نمی باشد، بنابراین توجه به دیگر فعالیت های اقتصادی درآمد زا در محیط روستا، از مهم ترین ضروریات برنامه ریزی محلی است (مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۹۰: ۱).

در این میان، صنایع روستایی به دلیل اشتغال، افزایش درآمد و کاهش فقر در جوامع روستایی به ویژه در جوامعی که اقتصاد کشاورزی حکم فرماست از اهمیت بسزایی برخوردار است. یکی از این صنایع که توان گسترش در نواحی روستایی را دارد صنایع تبدیلی و تکمیلی است که با استفاده از ظرفیت های خود روستا می تواند گسترش یابد. صنایع تبدیلی به صناعی گفته می شود که متکی به انواع فرآورده ها و محصولات تولیدی کشاورزی است و هر فرآورده یا محصول کشاورزی و دامی به عنوان ماده اولیه در جریان فرآیند تولیدات تبدیلی به مصرف می رسند. صنایع تکمیلی کشاورزی نیز به واحد هایی گفته می شود که به فرآوری مواد نباتی یا حیوانی می پردازند. فرآوری دربرگیرنده تغییر شکل و حفاظت از طریق تغییرات فیزیکی و شیمیایی، ذخیره سازی، بسته بندی و توزیع است (مدهوشی و نصیری، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

در واقع، صنایع تبدیلی تسهیل کننده و ارتقا دهنده فعالیت های بخش کشاورزی هستند و توان صنعت منطقه ای و ملی را افزایش می دهند (عمانی و سلمان زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۲) و اینها از نظر برهم زدن تعادل اکولوژیک یا دست کم به علت آسیب رسانی اندک در مقایسه با سایر صنایع برتری دارند. بسخن دیگر اینها، یکی از مناسب ترین مکمل های صنعتی برای فعالیت های کشاورزی در فرایند توسعه اقتصادی به صورت پایدارند. از سوی دیگر هر ساله مشاهده می شود در بسیاری از کشور ها تولیدات کشاورزی به علل مختلف از بین می رود و این در حالی است که جمعیت کره زمین با کمبود مواد غذایی روبه روست. بنابراین از جمله راهبرد هایی که در این مورد نتیجه بخش بوده و ضمن بالا بردن عملکرد، از اتلاف منابع جلوگیری می نماید استفاده از صنایع تبدیلی و تکمیلی است (نوروزی و فتحی، ۱۳۹۴: ۱۵۶).

پیشینه صنایع تبدیلی نشان می دهد، از قرن ۱۹ و ۲۰ به خاطر نیاز در عملیات های نظامی پیشرفت فوق العاده ای کرده است. در قرن ۲۰ و بعد از جنگ جهانی دوم به خاطر مصرف مواد غذایی فرآیند صنایع غذایی مثل میوه، کنسانتره، و خشک کردن پیشرفت فوق العاده ای کرد (زنگی آبادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹). گزارش های بانک جهانی گویای آن است که این صنایع از نظر تنوع و افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی، اهمیت بسیاری در توسعه مناطق روستایی دارند. اهمیت این صنایع تا جایی است که ۲۰ تا ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی را حتی در کشور های در حال توسعه از آن خود ساخته است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۸۴). همچنین ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی می تواند در راستای جلوگیری از ضایعات محصولات کشاورزی، ایجاد ارزش افزوده در بخش کشاورزی، افزایش سطح درآمد روستاییان، بالابردن بهره وری بخش کشاورزی، و افزایش سهم اشتغال صنعتی در مناطق روستایی ایفای نقش کند (نوری و نیلی پور طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

بنابراین می‌توان گفت که صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی یکی از مهم‌ترین صنایع روستایی به شمار می‌رود و ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی یکی از سودمندترین ارتباطات بین دو بخش صنعت و کشاورزی است (نادری مهدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۴). وجود عوامل متعددی برای توسعه صنایع تبدیلی ضروری است، اما در این میان مهم‌ترین عامل پتانسیل منطقه از نظر تأمین مواد اولیه برای اینگونه صنایع است که از الزامات اولیه برای ایجاد صنایع تبدیلی محسوب می‌شود (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

به هر روی نکته مهم این است که ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی، پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های خاص خود را می‌طلبد و باید با دقت و موشکافی لازم به اجرا درآید تا آثار قابل قبولی به دنبال داشته باشد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳).

با عنایت به آنچه آمد می‌توان گفت، نظر به اینکه موضوع مورد پژوهش تحلیل مدیریت ظرفیت‌های صنایع تبدیلی-تکمیلی در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه می‌باشد. بنابراین مهم‌ترین هدفی که این پژوهش دنبال می‌کند شناسایی ظرفیت‌ها برای ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه است تا بتوان با یک مدیریت صحیح توسعه روستایی را در این شهرستان رقم زد. در حال حاضر در این مناطق روستایی مدیریت این گونه ظرفیت‌ها به صورت سنتی است، کشاورزی به همان شکل سنتی ادامه دارد و نوآوری در زمینه توسعه و پیشرفت کشاورزی ناچیز است.

محصولات کشاورزی این شهرستان از جمله زرشک، زعفران و عنب در هنگام فروش به صورت فله‌ای و به دلالتان فروخته می‌شود و کشاورزان متحمل ضرر می‌شوند، نیروی انسانی در این شهرستان به دلیل نبود کار و مقرون به صرفه نبودن کشاورزی و کمبود منابع آب و خاک که برای جمعیت روبه رشد مناسب نیست به اجبار برای یافتن شغل به شهرها مهاجرت می‌کنند. در زمینه محیطی نبود نوآوری و سنتی بودن شیوه‌های آبیاری باعث هدر رفت حجم زیادی از آب می‌شود. همچنین در زمینه نهادی و سازمانی سازمان‌های مردم‌نهاد در این شهرستان به خصوص در زمینه کشاورزی ناچیز است و به شیوه‌های مشارکتی در بین روستاییان توجه نمی‌شود. از این رو باید با یک مدیریت صحیح بتوان باعث بهبود این ظرفیت‌ها شد و بتوان با مدیریت این ظرفیت‌ها به سمت صنعتی شدن و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در شهرستان حرکت کرد. بنابراین سؤالی که در این تحقیق می‌شود عنوان کرد به شرح ذیل است: مناسب‌ترین راه حل مدیریت ظرفیت‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه کدام است؟

(۲) مبانی نظری

کشاورزی بخش اصلی از اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهد که متکی بر منابع طبیعی بوده است و محدودیت منابع طبیعی در برخی از نواحی روستایی باعث رکود اقتصادی آن‌ها شده است. بنابراین سیاست‌های توسعه اقتصادی نباید تأکید بیش از حدی بر بخش کشاورزی داشته باشد، بلکه باید کشاورزی را به عنوان بخشی از اقتصاد روستایی مورد توجه قرار دهد. این در واقع نوعی حرکت از کسب و

کار های مبتنی بر منابع طبیعی به سمت کسب و کار های مبتنی بر دانش است. به علاوه اکنون که توزیع ثروت در روستاهای کشور نابرابر است، برخی از روستاها در رفاه نسبی به سر می برند در حالی که برخی دیگر با فقر روبه رو هستند. بسخن دیگر فقر در مناطق روستایی بیش از شهرهاست. این حقیقت بسیاری از متفکرین را بر آن داشته است که در توسعه کشاورزی برای کمک به فقرا نه تنها افزایش درآمد های فقرایی که مستقیماً کشاورزی می کنند لازم است، بلکه به کارگیری سرمایه و نیروی کار در فعالیت های غیر زراعی نیز ضروری می باشد (ظاهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲۲).

با در نظر گرفتن میزان بالای ضایعات کشاورزی در کشور مشخص می شود که راه حل موجود برای رونق کشاورزی تنها افزایش تولید نیست. بلکه باید با برنامه ریزی درست از محصولات تولید شده به بهترین وجه ممکن استفاده کرد. با بهبود روش های تبدیلی، بسته بندی و توزیع مواد غذایی می توان از هدر رفتن میلیون ها تن محصول از زمان تولید تا رسیدن به دست مصرف کننده جلوگیری کرد. و بدین ترتیب ضمن بالا بردن درآمد ملی در راستای تأمین نیاز های تغذیه ای جامعه نیز گام موثری برداشت. تجربیات جهانی نشان می دهند که صنایع تبدیلی بخش کشاورزی قادرند تولیدات کشاورزی را افزایش دهند، در به وجود آمدن شغل نقش اساسی دارند و مناسبات بین بخشی را افزایش داده و بی توازن در منطقه را کاهش می دهند. موفقیت صنایع تبدیلی در مناطق روستایی در کاهش ضایعات محصولات به روند تولید، کاشت، برداشت، بسته بندی، حمل و نقل و توزیع وابسته است (داور پناه و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۰).

در رابطه با صنایع تبدیلی و تکمیلی مطالعات زیادی انجام گرفته است که بیشتر در زمینه امکان سنجی صنایع تبدیلی و تکمیلی بوده است. در این بخش از پژوهش بیشتر مطالعاتی که در زمینه مدیریت محصولات و ضایعات کشاورزی و همچنین نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات بوده پرداخته می شود:

جدول ۱. پیشینه مطالعات انجام شده

نویسندگان/سال	عنوان مقاله	نتیجه
کرمی و همکاران/ ۱۳۹۸	تحلیل پیامدهای استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی بخش مرکزی شهرستان جیرفت	نتایج تحقیق نشان می دهد آثار و پیامدهای صنایع تبدیلی و تکمیلی در بعد اقتصادی بیشتر و با اهمیت تر از دو بعد اجتماعی و زیست محیطی است.
داور پناه و همکاران/ ۱۳۹۳	نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات محصولات کشاورزی مناطق روستایی، مطالعه موردی دهستان دشت روم	یافته های پژوهش نشان می دهد ضایعات محصولات کشاورزان روستای دارای صنایع تبدیلی کشاورزی کمتر از روستای فاقد صنایع تبدیلی است.
پیکار پرسیان و همکاران/ ۱۳۹۲	عوامل مؤثر بر به کار گیری عملیات مدیریت ضایعات در تولید سیب در شهرستان ابهر	یافته های پژوهش نشان داد که بین میزان به کار گیری عملیات مدیریت ضایعات و متغیرهای میزان تحصیلات و سابقه کار رابطه مثبت و معنی داری در سطح یک درصد وجود دارد.
پورقاسم و همکاران/ ۱۳۹۲	بهینه سازی مدیریت ضایعات و بقایای زراعی: مورد مطالعه روستای حسن آباد شهرستان روانسر استان کرمانشاه	نتایج تحقیق نشان داد که کشاورزان، شرایط آب و هوایی نامساعد، آفات و بیماری و... عوامل ایجاد ضایعات در این منطقه هستند، و کشاورزان برای مقابله با آن باید کارهایی از قبیل آماده سازی زمین و کاشت بذر مرغوب در زمان مناسب، مبارزه با آفات و بیماری ها و... را انجام دهند.

نویسندگان/سال	عنوان مقاله	نتیجه
رزاقی بورخانی و شویکلو/۱۳۹۱	مدیریت ضایعات محصولات کشاورزی در توسعه کشاورزی پایدار ایران	علل عمده بروز ضایعات محصولات کشاورزی: روش‌های سنتی در کاشت، داشت و برداشت، عوامل اقتصادی و ضعف بنیه مالی کشاورزان، شیوه‌های غلط انبار داری و نبود صنایع تبدیلی و تکمیلی کافی برای جذب مواد خام، عوامل مدیریتی کنترل ضایعات محصولات کشاورزی و...
کلاتری و همکاران/۱۳۸۹	عوامل پیش برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی	نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سهم عوامل پیش برنده مؤثرتر از عوامل بازدارنده بوده و در نتیجه با ایجاد زمینه لازم می‌توان با تقویت عوامل پیش برنده و فائق آمدن بر عوامل بازدارنده، به توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان کمک کرد.
رحمانی/۱۳۸۲	بررسی نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات و توسعه صادرات محصولات کشاورزی باغی	به منظور رفع مشکلات صنایع تبدیلی و حضور موفق در بازارهای جهانی پیشنهادهایی ارائه کرده است: ۱- به صنعت بسته بندی به عنوان یکی از بخش‌های کلیدی به طور جدی توجه شود ۲- از طریق به کار گیری سیاست‌هایی مانند قیمت‌های تضمینی و بیمه محصولات به کشاورزان اطمینان داده شود تا در جهت نیاز صنایع هر ساله تولید داشته باشند ۳- بروز رسانی فناوری و لزوم نوآوری برای حضور در بازارهای جهانی و...
اسدی و همکاران/ ۲۰۱۰	مدیریت زباله‌های گندم در ایران	نتایج تحقیق نشان داد که ذخیره سازی مناسب و پردازش محصولات پس از برداشت همراه با توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی می‌تواند در مدیریت زباله گندم مؤثر باشد.
دی/۲۰۰۰ ^۱	بسته بندی محیط زیستی اصلاح شده میوه و سبزیجات تازه	نتایج نشان می‌دهد که یکی از راه کارهای کاهش ضایعات محصولات، بسته بندی است.
آنگر و همکاران/۱۹۹۱	مدیریت پسماندهای زراعی و کشت و زراعت و روش‌های حفاظت از آب و خاک در مناطق نیمه خشک- خاک‌های رس زراعی	نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وجود بقایای زراعی در خاک باعث می‌شود که خاک حفظ شود و برای حفظ بقایا که به عنوان خوراک دام مورد استفاده قرار می‌گیرند باید اقداماتی انجام بگیرد مانند بهبود تعادل بین منابع تغذیه‌ای و جمعیت حیوانات و یا استفاده از منابع جایگزین سوخت.

در زمینه توسعه صنایع در مناطق روستایی نظریه‌هایی مطرح شده است از جمله نظریه رخنه به پایین صنعتی، بر اساس این نظریه استقرار صنایع در مناطق روستایی و به کارگرفتن کارگران مازاد در این صنایع، می‌تواند به برابری دستمزدها بین تولید کنندگان و کارگران کمک کند. و همچنین به رشد و توسعه این مناطق کمک می‌کند و مناطق فقیر و حاشیه‌ای نیز از آن بهره مند می‌شوند و در اصطلاح توسعه رخنه به پایین می‌کند. نظریه آلفرد وبر، این نظریه بر مکان صنایع تأکید دارد، این الگو مکانی را برای صنایع انتخاب می‌کند که هزینه‌های حمل و نقل، هزینه‌های نیروی کار و هزینه‌های مربوط به تجمع و پراکنش در آن مکان حداقل باشد. نظریه پیوند سیدمن و دارکو، بر اساس این نظریه استقرار صنایع جدید به عنوان یک عامل راهبردی می‌تواند در نهایت منافع را به روستاها منتقل کند. شهرستان زیرکوه نیز به دلیل برخورداری از کشاورزی سنتی همانند اکثر مناطق روستایی کشور در زیر مجموعه مناطقی قرار می‌گیرد که توسعه روستایی ضعیفی دارند و اکثر کشاورزان از درآمد کافی برخوردار نمی‌باشند.

^۱Day^۲Unger

باشند. بنابراین با سیاست های مدیریتی درست و کارآمد باید در حفظ منابع و ظرفیت های منطقه مانند ضایعات محصولات کشاورزی یا حتی خود محصولات کشاورزی که به دلیل عدم وجود صنایع بسته بندی و صنایع فرآوری محصولات به صورت ارزان از دست می روند و برای کشاورزان صرفه اقتصادی زیادی ندارند اقدام کرد. این امر محقق نمی شود مگر این که یک حکمروایی خوب در زمینه مدیریت ظرفیت ها در شهرستان به وجود آید تا به توان به شیوه مطلوب از امکانات در دسترس استفاده کرد و توسعه روستایی را در این شهرستان رقم زد. زیرا که ایجاد حکمروایی خوب از الزامات توسعه پایدار روستایی محسوب می شود. در تعریف آن می توان گفت حکمروایی مفهومی برای تشریح شکل جدیدی از تصمیم گیری جمعی در سطح محلی است که به توسعه روابط مختلف، نه تنها میان عوامل و بنگاه های عمومی بلکه میان شهروندان و بنگاه های عمومی می انجامد (GOSS، ۲۰۰۱: ۱۱ به نقل از بصیرت و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). حکمروایی طی دهه ۱۹۹۰ میلادی، به یکی از واژه های محوری علوم اجتماعی، به ویژه در حوزه نظریه سیاسی، علوم سیاسی و جغرافیای انسانی تبدیل شده است و به بیانی دیگر حکمروایی را می توان کنش، شیوه یا سیستم اداره دانست که در آن مرز های بین سازمان ها و بخش عمومی و خصوصی در سایه یکدیگر محو می شوند (بصیرت و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). این حکمروایی حاصل نمی شود مگر این که مشارکت در جوامع روستایی مورد توجه قرار بگیرد. و سیاستگذاران، برنامه ریزان و مردم با یکدیگر در تعامل قرار بگیرند.

۳) روش تحقیق

این پژوهش از نظر روش کمی از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است، یعنی هم از روش های توصیفی، و هم از روش های استنباطی در ارائه مطالب و تجزیه و تحلیل داده ها استفاده می کند و به دو روش کتابخانه ای و میدانی به جمع آوری اطلاعات پرداخته است. ابزار گردآوری اطلاعات در روش میدانی پرسشنامه بوده، که از چهار بخش اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی-سازمانی تشکیل شده است و به دو قسمت تقسیم شده است. قسمت اول از پاسخگو می خواهد که اهمیت هر یک از متغیر ها را به صورت کم، متوسط و زیاد مشخص کند. و بخش دوم مشخص می کند که متغیر ها در وضعیت موجود تا چه اندازه مورد توجه قرار می گیرند و از پاسخ دهنده خواسته می شود که با کم، متوسط و زیاد به سؤالات پاسخ دهد. برای تحلیل اطلاعات (مجموعه ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سازمانی-نهادی سازند های اصلی مدیریت ظرفیت ها را در مناطق روستایی تشکیل می دهند که در آن عامل نهادی از اهمیت بیشتری برخوردار است). آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA)، و برای تحلیل اطلاعات (با توجه به عوامل موجود مدیریت ظرفیت ها در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه ضعیف است) آزمون تی برای دو گروه وابسته و از نرم افزار های Excel و Spss استفاده شده است، و در تهیه نقشه از نرم افزار GIS بهره گرفته است.

شهرستان زیرکوه با وسعتی حدود ۸۲۲۶ کیلومتر مربع از شمال به بخش های قاسم آباد و سنگان شهرستان خواف، از جنوب به بخش قهستان شهرستان درمیان، از غرب به شهرستان قاینات و از شرق به طول ۱۱۶ کیلومتر با کشور افغانستان هم مرز می باشد. طول و عرض جغرافیایی این شهرستان ۶۰ درجه و ۵۷ دقیقه

طول شرقی و ۲۳ درجه و ۵۸ دقیقه عرض شمالی می باشد. این شهرستان از سال ۱۳۹۱ از شهرستان قاینات جدا شد و به شهرستان مستقل تبدیل گردید. و از سه بخش مرکزی به مرکزیت شهر حاجی آباد شامل دهستانهای زیرکوه و پترگان؛ بخش زهان به مرکزیت شهر زهان شامل دهستانهای زهان و افین و بخش شاسکوه به مرکزیت آبیز شامل دهستان های شاسکوه و بهناباد تشکیل شده است. تعداد آبادی های این شهرستان ۱۰۸ آبادی است که از این تعداد ۱۰۰ آبادی دارای سکنه و تعداد ۸ آبادی خالی از سکنه هستند. از تعداد آبادی های دارای سکنه ۴۹ روستا در بخش مرکزی تعداد ۱۳ روستا در بخش شاسکوه و تعداد ۳۸ روستا در بخش زهان این شهرستان واقع شده اند.

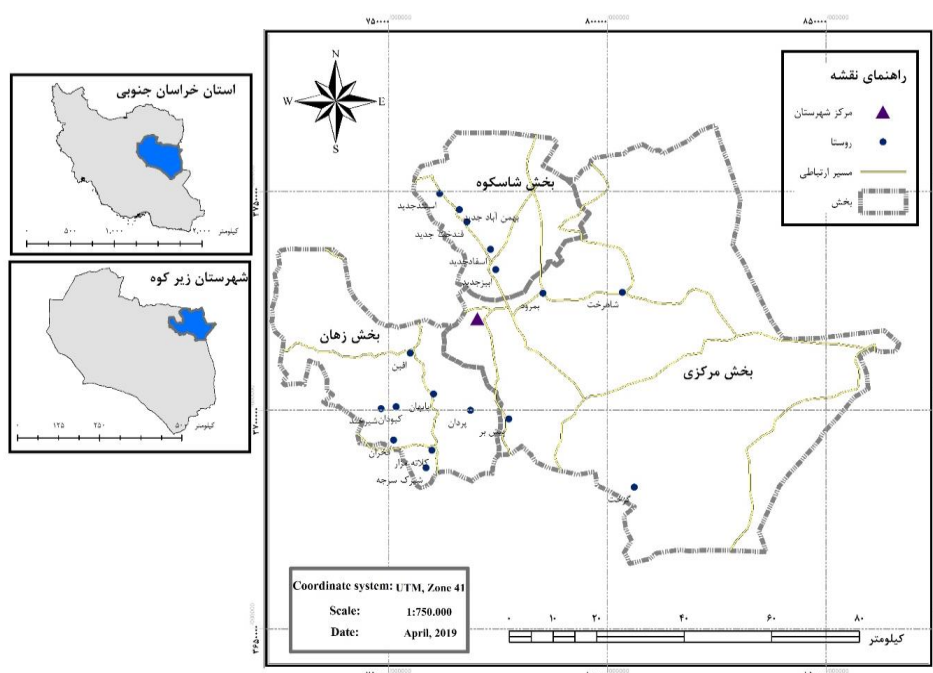
در این شهرستان جمعیت شهری ۷۲۸۶ نفر و ۱۷۵۴ تعداد خانوار و جمعیت روستایی در این شهرستان ۳۲۸۶۹ و تعداد خانوار روستایی ۹۴۲۴ در سال ۱۳۹۵ بوده است. بر اساس این آمار تعداد کل جمعیت شهرستان ۴۰۱۵۵ و ۱۱۱۷۸ خانوار را شامل می شود. تفکیک جمعیت بر اساس جنسیت نشان می دهد که تعداد ۲۰۴۱۸ نفر از جمعیت شهرستان را مردان و تعداد ۱۹۷۳۷ نفر را زنان تشکیل می دهند که در مجموع می توان گفت تعداد ۵۱ درصد کل جمعیت را مردان و تعداد ۴۹ درصد جمعیت را زنان تشکیل می دهند. محصولات عمده و خاص کشاورزی این شهرستان شامل زرشک، زعفران و عناب است که در جدول شماره ۲ سطح زیر کشت آنها و تعداد روستاهایی که این محصولات در آن کشت می شده اند آورده شده است.

جدول ۲. محصولات کشاورزی زرشک، زعفران و عناب در شهرستان زیرکوه

محصول	تعداد روستا	سطح زیر کشت (بارور) به هکتار
زرشک	۶۸	۱۸۷۸/۷۵۲
زعفران	۲۲	۸۸۳/۹۲
عناب	۲۴	۱۸۳/۰۹۳

مأخذ: جهاد کشاورزی شهرستان زیرکوه ۱۳۹۷

نقشه شماره ۱، شهرستان زیرکوه را بر اساس روستاهای نمونه نشان می دهد.



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی و موقعیت سیاسی شهرستان زیرکوه

تعداد روستاهای نمونه در این پژوهش بر اساس سطح زیر کشت محصولات کشاورزی انتخاب شدند. بدین گونه که محصولات عمده کشاورزی شامل زرشک، زعفران و عناب در سه گروه جای گرفتند و روستاها بر اساس آن طبقه بندی شدند، و با استفاده از میانگین، روستاهایی که از نظر سطح زیرکشت بالاتر از میانگین قرار داشتند به عنوان روستاهای نمونه تحقیق انتخاب شدند. از بین ۶۸ روستا که در زمینه تولید زرشک فعالیت داشتند تعداد ۱۸ روستا بالاتر از میانگین مورد نظر قرار گرفتند که این روستاها بیشتر در بخش زهان شهرستان زیرکوه قرار دارند. به علت تعداد زیاد روستاهایی که دارای محصول زرشک هستند، روستاهایی که تعداد بهره برداران آن ها کمتر از ۱۰۰ نفر بود حذف شدند، که تعداد ۹ روستا باقی ماندند. در محصول زعفران از بین ۲۲ روستا که زعفران در آنها کشت می شد فقط ۵ روستا میانگین مورد نظر را بدست آوردند که از نظر پراکنش در بخش شاسکوه شهرستان قرار دارند. و از بین ۲۲ روستا که عناب یکی از محصولاتشان را تشکیل می دهد فقط ۸ روستا بالاتر از میانگین مورد نظر قرار گرفتند، که تعداد ۵ روستا با محصول زعفران مشترک است و از نظر پراکنش این روستاها در بخش مرکزی و شاسکوه قرار دارند. در انتها تعداد ۱۷ روستا به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

کلیه بهره برداران کشاورزی در این ۱۷ روستا جامعه آماری تحقیق را تشکیل می دهند، کل تعداد بهره برداران ۴۰۲۳ نفر است که به دلیل تعداد زیاد با استفاده از فرمول کوکران نمونه گیری انجام شد و عدد ۳۵۰ بدست آمد، که این تعداد به نسبت تعداد بهره بردار بین روستاهای نمونه تقسیم شد.

۴) یافته‌های تحقیق

در این پژوهش تعداد ۱۷ روستا بر اساس نمونه انتخاب شد که کشاورزان این روستاها جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دادند، که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۵۰ پرسشنامه کشاورز در نظر گرفته شد. یافته‌های استنباطی درمورد مجموعه‌ای از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی و سازمانی سازند‌های اصلی مدیریت ظرفیت‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه که در آن نقش شاخص نهادی از اهمیت بیشتری برخوردار است برابر جدول شماره ۳ نشان می‌دهد درجه آزادی ۳ و ۱۳۹۶ و سطح معناداری آن ۰/۰۹۸۳ است و از آنجا که سطح معناداری بزرگتر از آلفا ۰/۰۵ بوده، می‌توان فرض برابری واریانس‌ها را پذیرفت. در نتیجه می‌توان از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه برای مقایسه میزان اهمیت بین شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی و سازمانی استفاده کرد.

جدول ۳. آزمون لون جهت برابری واریانس‌ها

سطح معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	آزمون لون
۰/۰۹۸۳	۱۳۹۶	۳	۰/۰۵۵

جدول شماره ۴، خروجی تحلیل واریانس یکطرفه را نشان می‌دهد. این جدول جمع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات، مقدار F و سطح معناداری را نشان می‌دهد. از آنجا که سطح معناداری محاسبه شده کوچکتر از آلفا ۰/۰۵ می‌باشد فرض H_0 که مبین برابری بین میانگین‌ها است به نفع فرض مقابل H_1 رد می‌شود و نشان می‌دهد که بین گروه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی سازمانی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۴. خروجی تحلیل واریانس یکطرفه بر اساس واریانس درون و بین گروهی (ANOVA)

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	جمع مربعات	
۰	۳۷/۰۲۷	۴/۰۵۶	۳	۱۲/۱۶۸	بین گروه‌ها
		۱۱۰	۱۳۹۶	۱۵۲/۹۲۳	درون گروه‌ها
			۱۳۹۹	۱۶۵/۰۹۱	جمع

جدول شماره ۵ بر اساس آزمون توکی HSD نشان می‌دهد که بین میانگین کدامیک از گروه‌ها تفاوت معناداری وجود داشته است، که همانطور که در جدول مشاهده می‌شود میانگین‌های شاخص اقتصادی و محیطی سطح معناداری بزرگتر از آلفا ۰/۰۵ است بنابراین می‌توان گفت که شاخص اقتصادی و محیطی با هم برابر بوده و تفاوت معناداری بین آنها وجود نداشته است. ولی در بین دیگر شاخص‌ها که سطح معناداری کوچکتر از آلفا ۰/۰۵ را نشان می‌دهد تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۵. مقایسه تطبیقی معناداری بین میانگین های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی سازمانی

(I) شاخص ها	(J) شاخص ها	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۰/۰۹۵	
					حد بالا	حد پایین
اقتصادی	اجتماعی	-۰/۱۵۲۳۸*	۰/۰۲۵۰۲	۰	-۰/۰۸۸۰	-۰/۲۱۶۷
	محیطی	-۰/۰۵۹۲۴	۰/۰۲۵۰۲	۰/۰۸۴	۰/۰۰۵۱	-۰/۱۲۳۶
	نهادی سازمانی	-۰/۲۴۵۵۲*	۰/۰۲۵۰۲	۰	-۰/۱۸۱۲	-۰/۳۰۹۹
اجتماعی	اقتصادی	۰/۱۵۲۳۸*	۰/۰۲۵۰۲	۰	۰/۲۱۶۷	۰/۰۸۸۰
	اجتماعی	۰/۰۹۳۱۴*	۰/۰۲۵۰۲	۰/۰۰۱	۰/۱۵۷۵	۰/۰۲۸۸
	نهادی سازمانی	-۰/۰۹۳۱۴*	۰/۰۲۵۰۲	۰/۰۰۱	-۰/۰۲۸۸	-۰/۱۵۷۵
محیطی	اقتصادی	۰/۰۵۹۲۴	۰/۰۲۵۰۲	۰/۰۸۴	۰/۱۲۳۶	-۰/۰۰۵۱
	اجتماعی	-۰/۰۹۳۱۴*	۰/۰۲۵۰۲	۰/۰۰۱	-۰/۰۲۸۸	-۰/۱۵۷۵
	نهادی سازمانی	-۰/۱۸۶۲۹*	۰/۰۲۵۰۲	۰	-۰/۱۲۱۹	-۰/۲۵۰۶
نهادی و سازمانی	اقتصادی	۰/۲۴۵۵۲*	۰/۰۲۵۰۲	۰	۰/۳۰۹۹	۰/۱۸۱۲
	اجتماعی	۰/۰۹۳۱۴*	۰/۰۲۵۰۲	۰/۰۰۱	۰/۱۵۷۵	۰/۰۲۸۸
	محیطی	۰/۱۸۶۲۹*	۰/۰۲۵۰۲	۰	۰/۲۵۰۶	۰/۱۲۱۹

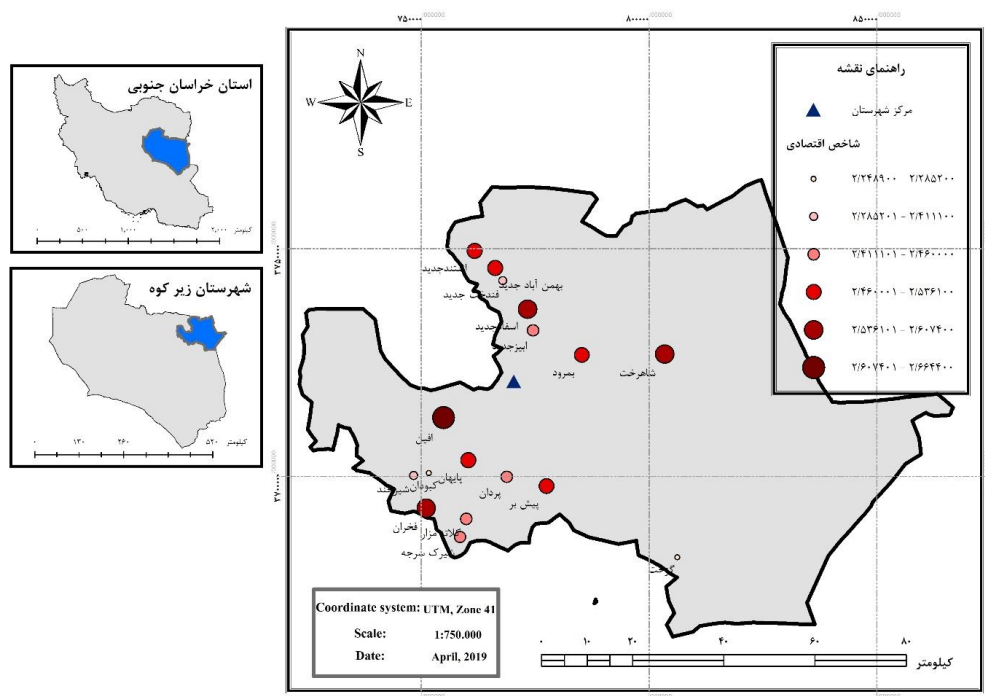
جدول شماره ۶، میزان اهمیت هر یک از شاخص های اقتصادی، اجتماعی، محیطی، نهادی و سازمانی را بر اساس آزمون توکی نشان می دهد. همانطور که در جدول مشاهده می شود شاخص های اقتصادی و محیطی میزان اهمیت کم، شاخص اجتماعی میزان اهمیت متوسط و شاخص نهادی و سازمانی میزان اهمیت زیاد ارزیابی شده است.

جدول ۶. میزان اهمیت هر یک از شاخص ها

شاخص ها	جمع	Subset for al pha = ۰/۰۵		
		کم	متوسط	زیاد
اقتصادی	۳۵۰	۲/۴۷۶۲		
محیطی	۳۵۰	۲/۵۳۵۴		
اجتماعی	۳۵۰		۲/۶۲۸۶	
نهادی و سازمانی	۳۵۰			۲/۷۲۱۷
Si g.		۰/۸۴	۱	۱

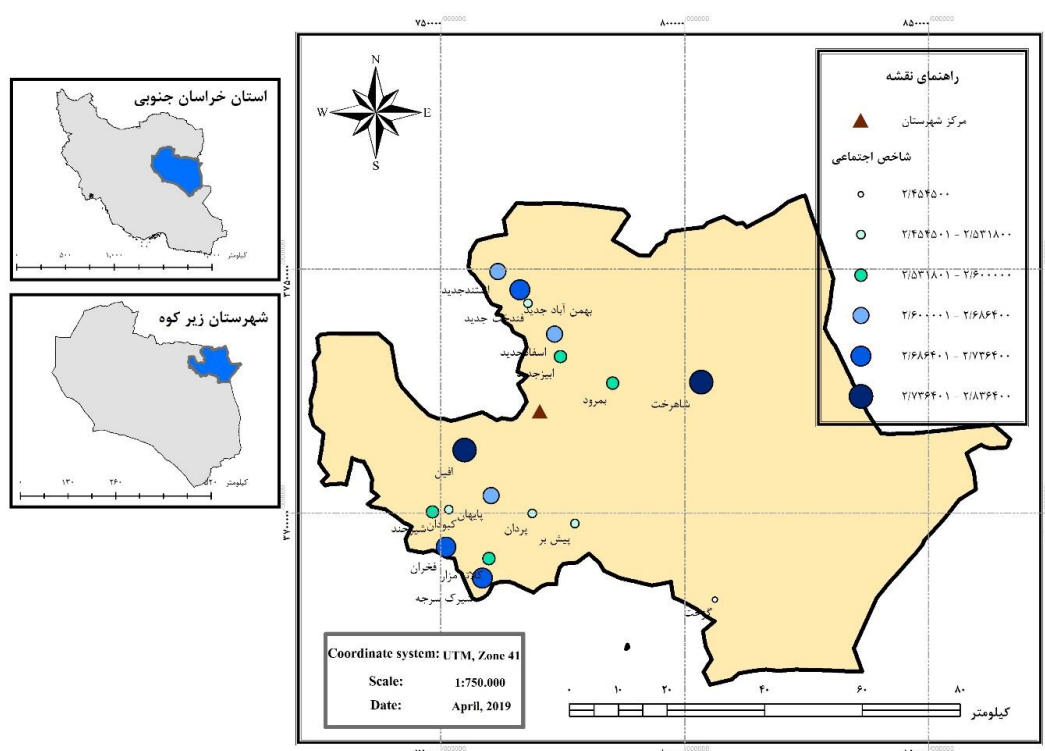
در نتیجه می توان گفت که نقش شاخص نهادی از اهمیت بیشتری برخوردار است، همچنین به منظور تعیین میزان اهمیت هر کدام از شاخص های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی و سازمانی در روستا های مورد مطالعه از آزمون توکی استفاده شد. در نقشه شماره ۲، بر اساس آزمون توکی میزان اهمیت شاخص اقتصادی در روستاهای مورد مطالعه آورده شده است. بر این اساس فقط روستاهای کبودان و گزخت گویه های اقتصادی آن ها نسبت به روستاهای دیگر از اهمیت کمتری برخوردار بوده و

روستای افین گویه های اقتصادی آن نسبت به سایر روستاها اهمیت بالاتری داشته است و بقیه روستاها شاخص های اقتصادی آن ها از اهمیت یکسانی برخوردار بوده است.



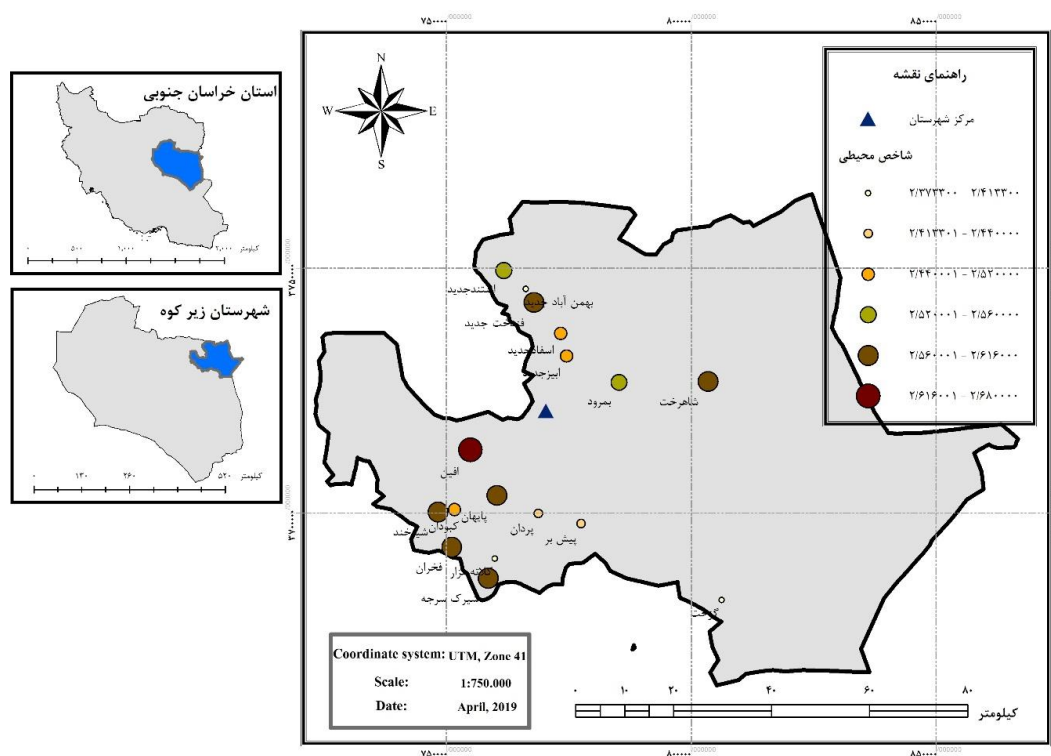
نقشه ۲. آزمون توکی برای شاخص اقتصادی در همه روستاهای مورد مطالعه

در نقشه شماره ۳ میزان اهمیت شاخص های اجتماعی بر اساس آزمون توکی آورده شده است که بر این اساس مشخص می شود که تمامی گویه های اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه از اهمیت یکسانی برخوردارند. فقط روستای گزخت نسبت به روستاهای دیگر در بعد اجتماعی از اهمیت کمتری برخوردار بوده است. و همچنین گویه های اجتماعی در روستاهای شاهرخت و افین از اهمیت بالاتری نسبت به سایر روستا ها برخوردار بوده است.



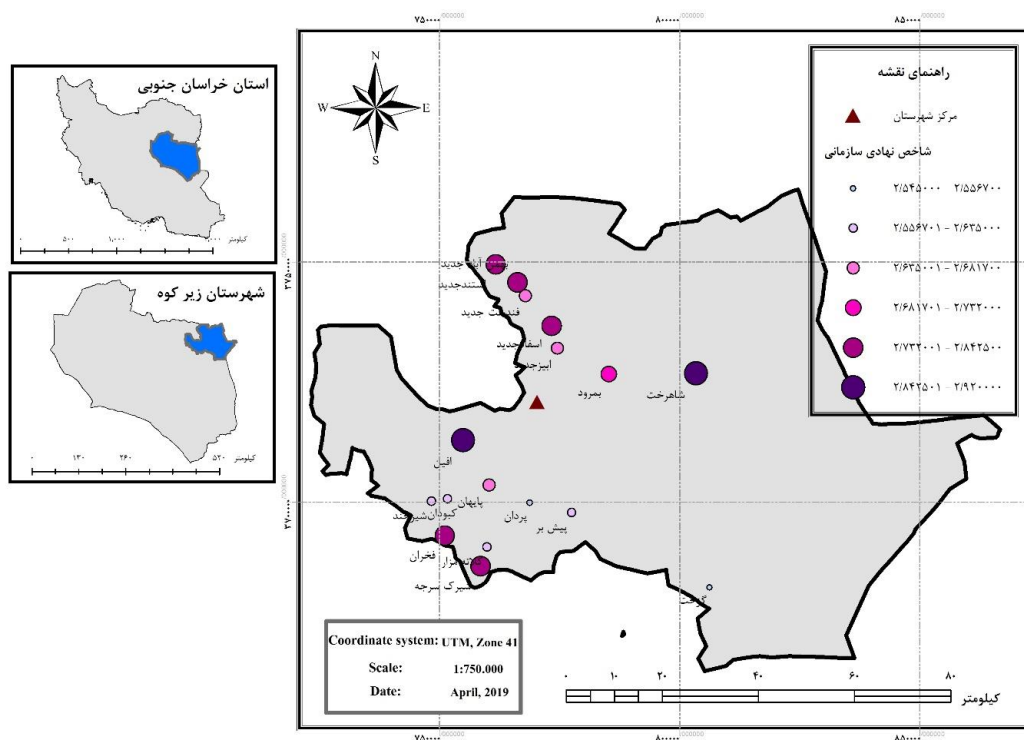
نقشه ۳. آزمون توکی برای شاخص اجتماعی در همه روستاهای مورد مطالعه

نقشه شماره ۴ میزان اهمیت گویه های محیطی را در تمامی روستاهای مورد مطالعه نشان می دهد.



نقشه ۴. آزمون توکی برای شاخص محیطی در همه روستاهای مورد مطالعه

شاخص‌های نهادی و سازمانی نیز که در نقشه شماره ۵ نشان داده شده است در تمامی مناطق روستایی شهرستان زیرکوه از اهمیت یکسان برخوردار بوده و تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.



نقشه ۵. آزمون توکی برای شاخص نهادی و سازمانی در همه روستاهای مورد مطالعه

همچنین داده‌های تحقیق بر اساس اهمیت و وضع موجود هر یک از شاخص‌ها به وسیله آزمون تی برای دو گروه همبسته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به واسطه این آزمون می‌توان استنباط نمود که میانگین داده‌ها دو گروه قبل و بعد تا چه اندازه با یکدیگر متفاوت‌اند. در این آزمون فرضیه H_0 بر برابری میانگین‌های اهمیت و وضعیت و فرض H_1 بر نابرابری میانگین‌های اهمیت و وضع موجود دلالت دارد. جدول شماره ۷، اطلاعات توصیفی هر کدام از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی و سازمانی را بر اساس میزان اهمیت و وضع موجود نشان می‌دهد. در این جدول، میانگین، جمع، انحراف از معیار و انحراف از میانگین هر یک از اهمیت داده‌ها و وضع موجود داده‌ها آورده شده است. از مقایسه میانگین اهمیت داده‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی با میانگین وضع موجود اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی در حال حاضر می‌توان استنباط نمود که شاخص وضع موجود از میانگین کمتری نسبت به اهمیت برخوردار است.

جدول ۷. اطلاعات توصیفی هر یک از شاخص‌ها بر اساس آزمون تی برای دو گروه وابسته

میانگین	جمع	انحراف از معیار	انحراف از میانگین		
۲/۴۷۶۲	۳۵۰	۰/۳۴۰۵۲	۰/۰۱۸۲۰	جفت داده ۱	اهمیت داده های اقتصادی
۱/۴۷۸۱	۳۵۰	۰/۱۷۸۸۶	۰/۰۰۹۵۶		وضعیت داده های اقتصادی
۲/۶۲۸۶	۳۵۰	۰/۳۲۷۷۹	۰/۰۱۷۵۲	جفت داده ها ۲	اهمیت داده های اجتماعی
۱/۳۷۲۷	۳۵۰	۰/۲۱۳۰۹	۰/۰۱۱۳۹		وضعیت داده های اجتماعی
۲/۵۳۵۴	۳۵۰	۰/۳۰۶۶۶	۰/۰۱۶۳۹	جفت داده ها ۳	اهمیت داده های محیطی
۲/۲۴۹۱	۳۵۰	۰/۳۴۲۰۶	۰/۰۱۸۲۸		وضعیت داده های محیطی
۲/۷۲۱۷	۳۵۰	۰/۳۴۷۴۶	۰/۰۱۸۵۷	جفت داده ها ۴	اهمیت داده های نهادی
۱/۳۵۲۹	۳۵۰	۰/۱۹۴۷۲	۰/۰۱۰۴۱		وضعیت داده های نهادی

جدول شماره ۸ نتایج نهایی در مورد تحقیق (بر اساس شاخص های موجود مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی در حال حاضر در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه ضعیف است) را ارائه می دهد. در این جدول همه داده های اهمیت و وضع موجود شاخص های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی با هم در نظر گرفته شده اند و داده های توصیفی مانند میانگین، انحراف از معیار، میزان خطای میانگین و همچنین حد بالا و حد پایین، میزان T، درجه آزادی و سطح معناداری که از مهم ترین خروجی های این جدول محسوب می شود، آورده شده است. بر اساس این آزمون سطح معناداری هر یک از شاخص ها کوچکتر از آلفا ۰/۰۵ است می توان فرض H_0 را به نفع فرض مقابل رد نمود. و می توان نتیجه گرفت که مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی در حال حاضر در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه از ناپایداری برخوردار است.

جدول ۸. محاسبه سطح معناداری و تفاوت بین اهمیت و وضعیت هر کدام از شاخص های

اقتصادی، اجتماعی، محیطی، نهادی

مؤلفه ها	میانگین	انحراف از معیار	انحراف از میانگین	فاصله اطمینان ۰/۰۹۵		t	درجه آزادی	سطح معناداری
				پایین	بالا			
جفت داده ها اهمیت اقتصادی - وضعیت اقتصادی	۰/۹۹۸۱۰	۰/۳۸۴۷۱	۰/۰۲۰۵۶	۰/۹۵۷۶۵	۱/۰۳۸۵۴	۴۸/۵۳۷	۳۴۹	۰
جفت داده ها ۲ اهمیت اجتماعی - وضعیت اجتماعی	۱/۲۵۵۸۴	۰/۴۰۷۳۴	۰/۰۲۱۷۷	۱/۲۱۳۰۲	۱/۲۹۸۶۷	۵۷/۶۷۸	۳۴۹	۰
جفت داده ها ۳ اهمیت محیطی - وضعیت محیطی	۰/۲۸۶۲۹	۰/۳۸۲۴۰	۰/۰۲۰۴۴	۰/۲۴۶۰۸	۰/۳۲۶۴۹	۱۴/۰۰۶	۳۴۹	۰
جفت داده ها ۴ اهمیت نهادی - وضعیت نهادی	۱/۳۶۸۸۶	۰/۴۲۵۲۴	۰/۰۲۲۷۳	۱/۳۲۴۱۵	۱/۴۱۳۵۶	۶۰/۲۲۲	۳۴۹	۰

(۵) نتیجه گیری

صنایع تبدیلی به آن گروه از صنایعی اطلاق می شود که در آن ها یک فرآورده کشاورزی برای بهتر مصرف شدن، عرضه مناسب تر، و افزایش ارزش اقتصادی به شکل دیگری تبدیل شود به نحوی که ماهیت محصول جدید با ماهیت ماده اولیه یکسان ولی محصول نهایی یک ماده جدید نسبت به ماده اولیه باشد. صنایع روستایی نقش بسزایی در افزایش درآمد روستائیان و ایجاد اشتغال در این بخش دارد. در ضمن صنایع روستایی می توانند نقش مؤثری در توسعه اقتصادی روستاها و کشور داشته باشند. این صنایع جدا از توان اشتغالزایی بالایی که دارد، می تواند در حل مسائل نابرابری و توزیع درآمد و امکانات، مهاجرت، امنیت ملی، آمایش سرزمین، رشد بیش از اندازه جمعیت شهرها و آلودگی آن و دیگر موارد بسیار مؤثر باشد. اما در حال حاضر بیشتر افرادی که در روستاها زندگی می کنند و به طور مستقیم و غیر مستقیم به کشاورزی اشتغال دارند، به دلیل ویژگی های خاص اقتصاد کشاورزی از یک سو و عدم توجه لازم به این بخش و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، متأسفانه این گروه معمولاً فقیرترین مردم جامعه را تشکیل می دهند. شهرستان زیرکوه که دارای محصولات خاصی از جمله، زرشک، زعفران و عناب است نیز همانند سایر مناطق کشور سود قابل توجهی عاید کشاورزان نمی شود و بیشتر واسطه ها از فروش محصولات سود می برند. علاوه بر این موارد این شهرستان دارای مناطق روستایی زیادی است که به دلیل مشکلات متعددی که یکی از مهم ترین آن نبود اشتغال در این روستاها است جمعیت جوان به شهرها مهاجرت می کنند و در شهر اغلب به مشاغل کاذب رو می آورند. در مطالعاتی که در زمینه صنایع تبدیلی و تکمیلی انجام گرفته نشان می دهد که ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی نقش مؤثری در کاهش ضایعات محصولات کشاورزی و افزایش ارزش افزایی مواد خام دارد، برای مثال در سال ۱۳۹۳ داور پناه و همکاران در مطالعه ای به نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات کشاورزی پرداختند که نتایج تحقیق نشان می دهد ضایعات در روستاهای دارای صنایع تبدیلی و تکمیلی کمتر از روستاهای فاقد صنایع تبدیلی است. همچنین در مطالعه ای اسدی و همکاران در سال ۲۰۱۰ مدیریت زباله های گندم را مورد مطالعه قرار داده اند که نتایج نشان می دهد که ذخیره سازی مناسب و پردازش محصولات پس از برداشت همراه با توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی می تواند در مدیریت زباله گندم موثر باشد. بنابراین با توجه به توانمندی هایی که شهرستان زیرکوه دارد یکی از روش های توسعه این شهرستان رو آوردن به صنایع تبدیلی و تکمیلی است تا بتوان از افزایش مهاجرت و همچنین بیکاری جلوگیری کرد. این تحقیق بر آن شد تا به مطالعه ظرفیت های موجود در شهرستان زیرکوه که برای ایجاد و همچنین توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی مؤثر است بپردازد. برای انجام این پژوهش و رسیدن به هدف تحلیل مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی، نتایج نشان می دهد که عامل نهادی و سازمانی در بین سایر عواملی که سازند های اصلی مدیریت ظرفیت ها را تشکیل می دهند از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین بر اساس شاخص های موجود مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی در حال حاضر در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه ضعیف است، بدین سان که میانگین وضع موجود نسبت به اهمیت گویه ها از میانگین کمتری برخوردار است و در نتیجه مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی

شهرستان زیرکوه ضعیف است. همانطور که از نتایج آزمون فرضیات بدست آمد عامل نهادی در بین سه عوامل دیگر نقش تعیین کننده و اهمیت زیادی در مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی دارد. بنابراین از آنجا که مدیریت ظرفیت ها در این شهرستان ضعیف است می توان با تکیه بر عامل نهادی و ایجاد یک حکمروایی مناسب و توسعه روش های مشارکتی و توسعه سازمان های مردمی به بهبود مدیریت ظرفیت ها در شهرستان کمک کرد. و این امر با در پیش گرفتن نظریات حکمروایی: توانمند سازی، ظرفیت سازی، توسعه مشارکتی، و توسعه نهادی امکان پذیر می گردد.

با توجه به نتایج بدست آمده مهمترین پیشنهادات تحقیق بدین صورت عنوان می شود:

- ✓ دقت و توجه در هنگام برداشت محصول تا محصولات با کیفیت جمع آوری گردند؛
- ✓ تشکیل واحد های صنفی توسط کشاورزان برای ایجاد مشارکت در امر کشاورزی؛
- ✓ تلاش برای جذب حمایت سازمان های دولتی و مردمی برای ساخت بارگاه برای محصول زرشک؛
- ✓ استفاده بهینه از منابع آب و خاک با کاشت محصولات مناسب با آب و هوای منطقه؛
- ✓ جلوگیری از تخریب محیط زیست و حفظ منابع موجود در شهرستان؛
- ✓ تبلیغات برای محصولات کشاورزی توسط اینترنت و شبکه های مجازی؛
- ✓ استفاده از بسته بندی های مناسب و مشتری پسند در هنگام فروش محصولات؛
- ✓ ساخت برند برای محصولات زرشک، زعفران و عناب؛
- ✓ جذب حمایت های خیرین و سازمان های مردم نهاد خارج از شهرستان برای ایجاد اشتغال در زمینه صنایع تبدیلی و تکمیلی؛
- ✓ استفاده از روش های مشارکتی در ایجاد اشتغال در روستای خود؛
- ✓ تسهیل فرایند دادن وام های کم بهره به کشاورزان برای ایجاد اشتغال و نوآوری در کشاورزی؛
- ✓ کم کردن بروکراسی ها و کاغذ بازی های اداری در زمینه دادن مجوز و اخذ پروانه؛
- ✓ آموزش روش های نوین کشاورزی به کشاورزان؛
- ✓ توجه به نیرو های جوان و تحصیل کرده شهرستان و فراهم کردن شرایط برای اشتغال آنها و ماندگاریشان در شهرستان؛
- ✓ توجه به آموزش روش های مشارکتی به مردم و تقویت روحیه مشارکتی در بین جوانان؛
- ✓ نظر سنجی و نظر خواهی از مردم در زمینه کار ها و اموری که در شهرستان و روستا اتفاق می افتد؛
- ✓ به وجود آوردن یک تبادل بین مردم و سیاستگذاران (سیاستگذاران به عنوان تسهیل گر مردم را برای اداره روستا و سهمیم شدن در طرح ها و پروژه هایی که در روستای آن ها ایجاد می شود آماده کنند).

۶ منابع

- احمدیان، مهدی، یوسف قنبری، بیتا اصلانی سنگده و حسین عزیزی، (۱۳۹۲)، شناسایی و تحلیل عوامل موثر بر توسعه نیافتگی صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی، مطالعه موردی: شهرستان مرودشت، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، شماره ۴، صص ۱۲۵-۱۵۲.
- استانداری استان خراسان جنوبی، <https://portal.sko.ir/>

- بصیرت، میثم، محمد مهدی عزیزی، اسفندیار زبردست و عباس احمد آخوندی، (۱۳۹۱)، فرصت‌ها و چالش‌های حکمروایی کلانشهری خوب در عصر جهانی شدن، مطالعه موردی تهران، نشریه ی هنر های زیبا_ معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۱، صص ۵-۱۶.
- پور رمضان، عیسی و زهرا اکبری، (۱۳۹۳)، اثرات ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی بر اقتصاد روستایی، مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان رشت، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۴، صص ۱۴۵-۱۶۵.
- پیکار پیرسان، مرجان، حسین شعبانعلی فمی، ژیلادانشور عامری و آزاده خدابخشی، (۱۳۹۲)، عوامل موثر بر به کارگیری عملیات مدیریت ضایعات در تولید سیب در شهرستان ابهر، مجله تحقیقات اقتصادی و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴، شماره ۲، صص ۳۲۹-۳۴۱.
- پورقاسم، فاطمه، امیر حسین علی بیگی و کیومرث زرافشان، (۱۳۹۲)، بهینه سازی مدیریت ضایعات و بقایای زراعی: مورد مطالعه روستای حسن آباد شهرستان روانسر استان کرمانشاه، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، شماره ۴، صص ۸۱-۹۸.
- داور پناه، سید علی اصغر، مهدی نوری پور و زینب شریفی، (۱۳۹۳)، نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات محصولات کشاورزی مناطق روستایی دهستان دشت روم، فصلنامه راهبرد های توسعه روستایی، شماره ۴، صص ۵۳-۳۹.
- رحمانی، مریم، (۱۳۸۵)، بررسی نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات و توسعه صادرات محصولات کشاورزی باغی، صص ۲۰۱-۲۲۹.
- رزاقی بورخانی، فاطمه و ناهید شویکلو، (۱۳۹۱)، مدیریت ضایعات محصولات کشاورزی در توسعه کشاورزی پایدار ایران، اولین همایش ملی توسعه پایدار کشاورزی و محیط زیست سالم، دانشگاه تهران، صص ۱-۷.
- سازمان مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان زیرکوه، [ht t p://zi rkooh.kj-agri j ahad.i r](http://zi rkooh.kj-agri j ahad.i r)
- سالنامه آماری شهرستان زیرکوه، (۱۳۹۵)، معاونت آمار و اطلاعات، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان جنوبی، سازمان برنامه و بودجه کشور.
- شناسنامه آبادی های استان خراسان جنوبی، (۱۳۹۵)، مرکز آمار ایران، [ht t p s://www.anar.org.i r](https://www.anar.org.i r)
- ظاهری، محمد، محسن آقا یاری هیر و کلثوم ذاکری میاب، (۱۳۹۴)، اولویت بندی صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در شهرستان آذرشهر با روش ترکیبی دلفی و تاپسیس، نشریه جغرافیا و برنامه ریزی، سال ۱۹، شماره ۵۱، صص ۲۲۱-۲۴۶.
- کلانتری، خلیل، عبدی رهنما و حمید موحد محمدی، (۱۳۸۹)، عوامل پیش برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۸، شماره ۷۰، صص ۱۹-۳۷.
- کرمی، آیت اله، مینا فاریابی و مصطفی احمد وند، (۱۳۹۷)، تحلیل استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان جیرفت، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۸، شماره ۲، صص ۲۲۳-۲۳۸.
- مرادی، خدیجه، حسین آگاهی، کیومرث زرافشانی و عبدالحمید پاپ زن، (۱۳۹۴)، تحلیل کیفی چاش های فرآوری صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه (کاربرد نرم افزار N i v o)، پژوهش های روستایی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۴۸۳-۵۱۴.

- مرکز آمار ایران، سال نامه آماری، (۱۳۹۰) <https://www.amar.org.ir/>
- مطیعی لنگرودی، سید حسن و علی اکبر نجفی کانی، (۱۳۹۰)، توسعه و صنعتی سازی روستا (نظریه ها، روش ها و راهبرد های توسعه صنعتی)، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- نادری، کریم، حمید محمودیان و حشمت اله سعدی، (۱۳۹۳)، تأثیر صنایع تبدیلی کشاورزی بر وضعیت زندگی (مطالعه موردی روستاهای شهرستان بهار)، فصلنامه راهبرد های توسعه روستایی، جلد ۱، شماره ۴، صص ۴۳-۵۹.
- نوروزی، اصغر و عفت فتحی، (۱۳۹۴)، برنامه ریزی راهبردی توسعه اقتصاد روستایی در شهرستان لنجان (با تأکید بر کارآفرینی در صنایع تبدیلی و تکمیلی)، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۱۵۵-۱۷۸.
- نوری، سید هدایت ا... و شهره نیلی پور طباطبایی، (۱۳۸۶)، اولویت بندی توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی با استفاده از روش دلفی شهرستان فلاورجان استان اصفهان، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص ۱۶۱-۱۷۷.
- Asadi, A., Akbari, M., Mohammadi, Y., & Hossaininia, G. H. (2010). **Agricultural wheat waste management in Iran. Australian Journal of Basic and Applied Sciences**, 4(3), 421-428.
- Day, B. P. F. (2000, March). **Modified atmosphere packaging of fresh fruit and vegetables—an overview**. In IV International Conference on Postharvest Science 553 (pp. 585-590).
- Goss, S. (2001). **Making local governance work: networks, relationships, and the management of change**. Palgrave.
- Unger, P. W., Stewart, B. A., Parr, J. F., & Singh, R. P. (1991). **Crop residue management and tillage methods for conserving soil and water in semi-arid regions**. Soil and Tillage Research, 20(2-4), 219-240.